

نشست تبادل نظر یوگواش

اول و دوم مهرماه ۱۳۸۹ خورشیدی

برابر با ۲۳ و ۲۴ اکتبر ۲۰۱۰ میلادی

فارنهام کاستل (Farnham Castle)، انگلستان



جنگ افزارهای هسته ای، جنگ افزارهای کشتار گروهی

در خاورمیانه و امنیت منطقه ای:

وظیفه ای در پیش رو

مهم ترین نکات:

- کنفرانس سال ۲۰۱۲ میلادی، درباره ی منطقه ای تهی از جنگ افزارهای هسته ای یا جنگ افزارهای کشتار گروهی (WMD)، در خاورمیانه، فرصت مهمی است برای بهبود در منطقه ای بحرانی. گرچه نمی توان از این کنفرانس انتظار زیادی داشت، و حتی هنوز روشن نیست که کنفرانس در راه آمادگی برای نشست خود می باشد.
- کنفرانس یادشده را باید همچون سرآغاز فرایندی گسترده تر ببینیم، و نه این که آن را پایان کار و انجام راه بدانیم.
- حکومت های منطقه، دبیرکل سازمان ملل، و بانیان مشترک قطعنامه ی سال ۱۹۹۵ خاورمیانه (که عبارت بودند از: ایالات متحده ی آمریکا، روسیه و انگلستان)، باید بی درنگ به برخی از پرسش های بنیادین مربوط به سازمان دهی این کنفرانس، پاسخ دهند، و کارهای آماده سازی و براه اندازی آن را، آغاز کنند. گزارشی که اینک، از نظر شما می گذرد، دربردارنده ی پرسش هایی اساسی است که باید مطرح شود؛ و از جمله فهرست ابتدایی پرسش هایی که می باید از پیش، بین کشورهای شرکت کننده در کنفرانس، توزیع شود؛ تا بتوان زمینه های توافق و اختلاف را شناسایی کرد.
- از هم اکنون، تا برگزاری کنفرانس، به منظور افزایش میزان اعتماد بین اطراف درگیر، می توان با کوشش های همه جانبه، تدابیری را بکار برد، که فهرست آنها را در گزارش خواهید خواند.
- به احتمال زیاد، می توان به عنوان نتیجه ی کنفرانس، یا با هماهنگی پی گیرانه در ضمن کنفرانس، به گفتگوی تازه ای بر سر امنیت منطقه ای دست یافت.

● پیشبرد در ایجاد خاورمیانه ای تهی از جنگ افزارهای هسته ای، و یا دیگر جنگ افزارهای کشتار گروهی، هم ضروری، و هم ممکن است. ناکامی در بکارگیری توان دیپلماتیک، برای رسیدن به این هدف، ممکن است تنگناهای امنیتی بیشتری را ببار آورد؛ و در نهایت، کار خاورمیانه را به جایی بکشاند، که به سود هیچ کسی نباشد.

گزارش¹

پوگواش، در روزهای اول و دوم مهرماه ۱۳۸۹ خورشیدی برابر با بیست و سوم و بیست و چهارم اکتبر ۲۰۱۰ میلادی جلسه ای برای تبادل نظر پیرامون «جنگ افزارهای هسته ای و دیگر جنگ افزارهای کشتار گروهی، در خاورمیانه، و امنیت منطقه ای»، زیر عنوان «وظیفه ای در پیش رو»، برگزار کرد. سی و سه نفر، دست اندرکاران کنونی و پیشین، و دیگر متخصصان از چهارده کشور، بنابر موقعیت شخصی خود، در «فارنهام کاستل»، در انگلستان، گردآمدند، تا در نشستی آرام و سازنده، نظریات خود را برای اقداماتی که ممکن است جنبش خاورمیانه ای تهی از جنگ افزارهای هسته ای، و دیگر جنگ افزارهای کشتار گروهی، و مسائل مربوط به این ها را، تقویت کند، ابراز نمایند. جلسه به این مطلب توجه کرد که پویایی خطیر بین المللی و منطقه ای، در این زمینه ها و در این موقعیت زمانی، همگرایی منافع منحصر بفردی را بوجود آورده است.

هم چنین بنظر رسید که اگرچه پیشرفت بالقوه، واقعیت دارد؛ اما خطر از دست رفتن فرصت کنونی هم، در این برهه از زمان می تواند فاجعه آمیز شود.

همه شرکت کنندگان درین جلسه، تاریخ طولانی و استدلال های بغرنجی را که با جنگ افزارهای هسته ای، و دیگر جنگ افزارهای کشتار گروهی خاورمیانه همراه است، و اثر متقابل آنها را بر تنگناهای امنیت منطقه ای، در مدنظر داشتند. بدون اینکه اهمیت این نکات، و نیاز به حل و فصل این مشکل ها، و دشواریهای فوری، نادیده گرفته شود، توجه عمده ی جلسه، برای دستیابی به این مطلب بود که آیا زمینه هایی وجود دارد که امکان بدهد، گام هایی اندک به جلو برداشته شود؛ و ببینند چگونه می توان چنین گام هایی را با مقاصد کنفرانس ۲۰۱۲ همگون ساخت.

این جلسه بر پایه ی مقررات موسسه ی پوگواش – چاتهام برگزار شد، تا تبادل آزاد چشم اندازها و جستجوی امکانات سازنده را برای راههای پیشبرد، میسر سازد. بهرحال، محتوای گفتگوها را می توان گزارش کرد، اما هیچیک از موارد گفتگوها را نمی توان به کسی نسبت داد. کوششی برای رسیدن به اتفاق نظر انجام نشد، و درواقع عرضه ی نظرهای گوناگون تشویق شد. نویسنده ی این گزارش (گزارشگر) خانم ساندرا ایونو بوچر (Sandra Ionno Butcher) است، که هماهنگ کننده ی ارشد برنامه های پوگواش می باشد و نشانی پست الکترونیک وی چنین است:

sibutcher@earthlink.net

پوگواش، از وزارت امور خارجه ی پادشاهی نروژ، و کورپوریشن کارنگی (Carnegie) نیویورک، و تراست خیریه ی هیث ساید (Heathside) به خاطر حمایت از فعالیت های خاورمیانه ای ما، سپاسگزاری می کند.

سرعت گیرهای مسیر کنفرانس ۲۰۱۲ [اگر آنها مانع راه نشوند]

زمان برگزاری جلسه ی تبادل نظر پوگواش، درست شش ماه پس از زمانی بود، که بیشتر حکومت ها، در سند نهایی کنفرانس بازبینی NPT در ماه مه ۲۰۱۰ میلادی، وعده داده بودند، که با دولت های منطقه، برای حرکت به سوی کنفرانس ۲۰۱۲ همکاری خواهند کرد. توافق برسر سند نهایی کنفرانس ماه مه، درواقع، همان گونه که بسیاری نتیجه گرفتند، حاکی از موفقیت کنفرانس بازبینی بود. این مهم، از پیشرفت مفاد قطعنامه ی ۱۹۹۵ خاورمیانه، حکایت می کرد، زیرا قطعنامه ی مزبور اجرای نامحدود NPT را با اطمینان موردتوجه قرار داده بود. بهر حال، شش ماه بعد، بسیاری از شرکت کنندگان در جلسه ی تبادل نظر پوگواش، ناخشنودی خود را از این که هیچ پیشرفت محسوسی از ماه مه ۲۰۱۰ به بعد انجام نشده است، ابراز کردند. برخی از اینان، نگران این بودند که چنین وضعیتی، حاکی از کاهش تعهد به طرح کنفرانس ۲۰۱۲ و حتی ضعیف شدن چشم انداز برگزاری آن است.

برخی معتقد بودند این سستی در کار، با آن چه که بسیاری بی واسطه، در منطقه و در سطح بین المللی احساس می کنند تا راه حلی برای «خاورمیانه ی تهی از جنگ افزارهای کشتار گروهی» پیدا نمایند، در تضاد است. نبود جنب و جوش در این مساله را می توان با ملاحظات مربوط به امنیت منطقه ای، مفاهیم جدی تهدید ملی، فوریت استقرار ضوابط عدم گسترش (جنگ افزارها)، ضمن این که حق ملی کشورها، برای بکاربردن صلح جویانه ی نیروی هسته ای رعایت شود، و افزایش به رسمیت شناخته شده ی عمومی در گرایش های بین المللی، برای جستجوی راههایی برای کاهش چشمگیر جنگ افزارهای هسته ای، چه در دکترین ها، و چه در نگرش های ملی، در تضاد می باشد. از این بدتر، بعضی احساس کردند که ناتوانی در نشستن با هم و آغازکردن فرایند برخورد با این موضوع ها و هدف های گسترده تر، ممکن است ناچار به دلواپسی های امنیتی بیشتری منجر گردد. مکرر یادآوری شد که هدف نهایی از یک خاورمیانه ی تهی از جنگ افزارهای هسته ای و جنگ افزارهای کشتار گروهی، هدف مشترک و سیاست همه دولت های منطقه است، و این که تلاش برای رسیدن به این هدف، امیدبخش ترین وسیله ی موجود برای گردهم آوردن همه دولت ها بر سر میزی است که دشوارترین مسائل منطقه را دربردارد.

هدف، خاورمیانه ای تهی از جنگ افزارهای هسته ای و دیگر جنگ افزارهای کشتار گروهی است

جالب این بود که برخی از شرکت کنندگان، که زمینه های گوناگون داشتند، می گفتند که هدف کلی، فی نفسه، کمتر با خود «منطقه» سروکار دارد، بلکه بیشتر مربوط به راهایی خاورمیانه از این جنگ افزارهاست. از گفتگوهای جلسه، چنین برمی آید که برای رسیدن به هدف، امکان ها و گزینه های چندی وجود دارد، و «منطقه» خود یکی از این گزینه ها است. بهر صورت، عده ای نیز قویاً، با تاکید نکردن بر روی ایده ی «منطقه» مخالف بودند و یادآوری می کردند که منطقه راه را فراهم می سازد تا اقدامات بازرسی اضافی، علامت گذاری ها، پیوندها، برنامه ریزی ها، و دیگر فرایندها و تعهداتی که به نحوی جامع، نگرانی ها را از راه های گریز بالقوه از بین می برد، یکپارچه شود.

بیشتر شرکت کنندگان در این عقیده سهیم بودند که فرآیند نیل به هدفی جامع، موردتوجه کافی واقع نشده است. آنان بر نیاز به ایجاد جو (مناسب) سیاسی و رشته ای از شیوه های نظارت بر جنگ افزارها، و اعتمادسازی، تاکید می ورزیدند. این نظر، می تواند ازجمله شامل ایجاد ابزارها، و سازمان هایی در منطقه بشود که با مسائل منطقه ای، سیاسی، و نظارت بر جنگ افزارها، سروکار داشته باشند، و شاید با «گروه کاری امنیت منطقه ای، و نظارت تسلیحاتی خاورمیانه در اوایل دهه نود» (ACRS) همانند، و یا حتی به نسخه ی منسجم تری از آن گروه کاری تبدیل گردد.

به سوی فهرستی از «ایده ها» برای (کنفرانس) ۲۰۱۲

شرکت کنندگان روی فهرست کارهای مطلوبی که پیش، درضمن، و پس از کنفرانس پیشنهادی سال ۲۰۱۲، می تواند موردتوجه قرارگیرد، به بحث پرداختند. در این بخش، به نظر می رسد که همگان معتقدند که از لحاظ عملی، تنها برگزاری کنفرانسی در سال ۲۰۱۲، نمی تواند به هدف رهایی منطقه از جنگ افزارهای هسته ای، و یا جنگ افزارهای کشتار گروهی دسترسی یابد. در همین راستا، تفاهمی ژرف وجود داشت که مسائل بسیار پیچیده اند، و بار تاریخی دارند؛ و این که نیازی فوری احساس می شود تا سامان گفتگوها به گونه ای راهبری شود که انگیزه ی تحرکی برای موفقیت کار گردد، و نه این که کارها سیر نزولی پیدا کنند.

شرکت کنندگان پذیرفتند برای این که همه طرف های حاضر در منطقه را به سر میز کنفرانس بکشانند، چالشی وجود دارد. این موضوع هنگامی که با هر کوشش احساسی، بخواهند کشور خاصی را بهر صورت، از این گردهمایی، کنار بگذارند پیچیده می شود. دشواری آنگاه بیشتر خواهد شد که در واقع بعضی از فراخوانی های به این کنفرانس، و منطقه، منبعث از روندی باشد که همه ی طرف ها را پوشش ندهد. بهر حال، برآیند نظرکلی شرکت کنندگان در جلسه ی ما، این بود که گزینه هایی را باز بگذاریم تا به وسایلی دسترسی پیدا کنیم که همه طرف های درگیر، از راه های گوناگون، در این کنفرانس مشارکت نمایند.

جلسه بر این نظر صحه گذاشت که مطلوب آن است که اقدامات و اعلامیه های ماموران رسمی (دولتی) تا حد مقدور، به گونه ای مثبت عرضه شود، تا از این روزنه ی امید بالقوه، حداکثر بهره برداری بعمل آید. به نظر برخی از شرکت کنندگان در حال حاضر، رویکرد «همه چیز روبراه است» درمقابل عملکرد دیرپای سازمانهای بین الدولی گوناگون، ضرورتاً کمکی نخواهد بود.

پرسش هایی که به توجه فوری نیاز دارد

برای تشویق حکومت های ذیربط، تا روند برنامه ریزی کنفرانس پیشنهادی ۲۰۱۲ را آغاز کنند، و بر پایه ی سند نهایی جلسه تبادل نظر ماه مه ۲۰۱۰، رشته ای از پرسش ها، برای توجه فوری، و توضیح بیشتر، به شرح زیر مشخص شده اند:

۱- تقسیم کار بین دبیرکل سازمان ملل متحد، بانیان مشترک قطعنامه ی ۱۹۹۵، دولت های منطقه، و تسهیل کننده ی گفتگوها، چگونه خواهد بود؟ پاسخ دادن به این پرسش، آغاز خوبی است تا تقابل منطقه گرایی شدن جریان منتهی به برگزاری کنفرانس، و بین المللی شدن چنین جریانی توضیح داده شود.

۲- در تعیین تسهیل کننده ی گفتگوها چه پیشرفتی می توان داشت؟ او باید چه مشخصاتی داشته باشد؟ (اعتماد طرف های منطقه، مهارت، کیفیت شرح حال، و غیره). چه موقع امکان دارد ارائه ی نام ها آغاز شود؟

۳- آیا امکان تعیین «راهنبر» (یا «متولی») - افراد خاصی از کشورهای کلیدی - برای کمک در سازماندهی کنفرانس وجود دارد؟ آیا از گروهی مرکزی، در چند کشور برگزیده، به عنوان «یاران یا دوستان تسهیل کننده ی گفتگوها»، کاری بر می آید؟

۴- چه کشوری میزبان این کنفرانس است؟ چنین کشوری در منطقه یا بیرون از منطقه خواهد بود؟ آیا کشور میزبان، هزینه را پرداخت می کند؟

۵- چه ترتیبی برای بودجه ی کنفرانس داده شده؟ استخدام شخص «تسهیل کننده ی گفتگوها» چه اثری روی بودجه ی ادواری ملل متحد خواهد داشت؟ (آیا این هزینه از بودجه ادواری ملل متحد پرداخت می شود؟ یعنی در اینصورت، پرداخت موکول به نوامبر - ژانویه ۲۰۱۲ می گردد - و یا این که، در صورت توافق سیاسی، فوری بودجه بندی خواهد شد؟

۶- لازم است رهنمودی به سازمان های انرژی هسته ای (IAEA) و منع تسلیحات شیمیایی (OPCW) داده شود، تا بدانند که چه حمایتی از آنان انتظار می رود.

۷- بهمین گونه، نیاز به توضیح درباره ی سمینار اتحادیه ی اروپاست که در سند نهایی ماه مه ۲۰۱۰ به آن اشاره شده است. آیا این سمینار پیش از کنفرانس ۲۰۱۲ برگزار می شود؟ اتحادیه ی اروپا، برای کمک به این جریان چه کاری می تواند انجام دهد؟ آیا سازمانهای غیردولتی (NGO ها) نیز به این سمینار دعوت می شوند؟

۸- برای تنظیم دستور جلسه ی کنفرانس پیشنهادی، باید (از شرکت کنندگان) درخواست «ورودی» شود. چگونه مسایلی در این دستور جلسه گنجانیده خواهد شد: هسته ای، شیمیایی، بیولوژیکی، موشکها، و دیگر جنگ افزارها و آتش افروزها، امنیت منطقه ای، و غیره؟ کنفرانس، چه مدت به درازا می کشد؟ آیا این یک کنفرانس خواهد بود که احتمالاً به جلسه های مختلف تقسیم می گردد؟

۹- چه گزینه هایی وجود دارد که بتوان با استناد بی سابقه به جامعه مدنی، و سازمانهای غیردولتی، در سند نهایی ماه مه ۲۰۱۰، تدابیری را اتخاذ کرد؟ آیا راههای دیگری بخصوص در جامعه ی مدنی وجود دارد که درین روزگار بی عملی دولت ها، بتواند مدد کار باشد؟

۱۰- آیا به یک مرحله مقدماتی پیش از برگزاری کنفرانس، برای روشن ساختن مسایل یاد شده، نیاز است؟ یا این که دبیرکل ملل متحد این مسایل را با مشورت طرف های ذینفع، و بانیان مشترک قطعنامه ۱۹۹۵، عرضه می نماید؟ برخی بر سر اهمیت جلب توجه دبیرکل، به این مسایل، پیش از آن که در کنفرانس مطرح شوند، تاکید داشتند. اگر مرحله ی مقدماتی برگزار نشود، در این صورت، دولت ها باید روی دبیرکل به عنوان «هسته مرکزی» حساب کنند.

۱۱- برای پرش آغاز کار، پیشنهاد شد که «تسهیل کننده گفتگوها» یا برخی دیگر از شخصیت ها، ممکن است از طرف های منطقه ای بپرسند که ترجیحشان، درباره ی انواع مسایل مربوط به منطقه پیشنهادی چیست؟ به بیانی دیگر، امکان دارد، که کارهایی از پیش انجام گیرد، مثلاً همانگونه که یک شرکت کننده تقاضا کرد، می توان «خطوط سبز» را از پیش مشخص ساخت، و نه تنها «خطوط قرمز» را. آیا امکان دارد، روند کار، نشانه ها(ی فنی)، زمان بندی، و ضمانت ها را تعریف کرد؟
الف) اگر قرار است منطقه ای ایجاد شود، حوزه یا میدان جغرافیایی اش چه خواهد بود؟ (برای مثال، آیا ترکیه هم جزء آن خواهد بود؟)

ب) حوزه ی ممنوعیت چه خواهد بود؟ آیا شبیه «تلاتللوکو» قبل از اصلاح خواهد بود یا همانند «پلین دبا»؟ آیا این یک موافقتنامه یا رشته ای از موافقت نامه ها، یا اقداماتی منطقه ای است؟

ج) مکانیسم دستگاه های نظارتی و بازبینی (مانند آنچه سازمان انرژی هسته ای انجام می دهد یا بیشتر؟) چه خواهد بود؟ و برای جنبه های مربوط به آن (بسته به حوزه آن) چه معیارهایی قابل قبول خواهد بود؟

د) به چه نوع شرایط برای قوت اجرا یافتن ممکنست نیاز باشد؟ آیا قوت اجرایی یافتن، به تعداد معین کشورها، یا کشورهای خاصی، یا به ایجاد محیط ویژه ای، نیاز دارد؟ آیا یک قوت اجرایی یافتن متزلزل، کمکی خواهد بود؟

یکی از شرکت کنندگان، دشواریهای در پیش رو را به چهار بخش به شرح زیرین خلاصه کرده است:

۱- چه نوع اقدامات فوری نظارت بر جنگ افزارها بوسیله همه بازیگران منطقه، پذیرفتنی است؟ اگر واقع بین باشیم، این تنها چیزی است که از کنفرانس بدست می آید. اگر کشورهای منطقه بتوانند بر سر اقدامات عملی به توافق برسند، مشخص شدن این اقدامات، نشان از هماهنگی تقریبی حداقل منافع است. تلاش برای اندیشیدنی جدی و واقع گرایانه درباره ی آن اقداماتی که ممکن است در ۲۰۱۲ به صورت طبقه بندی درآیند، مفید است، هر چند که آسان نیست.

۲- به عنوان نتیجه ی ملموس کنفرانس، چه نوع گروه های متخصص را باید تشکیل داد؟ برای مثال، اگر هدف ما نظام بازبینی منطقه ای است، چنین گام بزرگ، مهم و سازنده ای، به برآورد جدی جزئیات مسائل فنی و سیاسی نیاز دارد.

۳- در کنفرانس پیشنهادی ۲۰۱۲ چه فرآیندهای گسترده تری طرح می شود؟ چگونه دولت ها، بر سر چارچوب های امنیتی گسترده تری که بناچار در نشست کنفرانس از طریق گروه های کار و یا گروه های مزبور و دیگران مطرح می شود، به توافق می رسند؟ در این جا شاید دسته بندی های منطقه ای چندی، برای جریان های مشورتی، در ارتباط با دکترین، برداشت های از تهدید، و غیره، ببینیم. باید از «اتحادیه ی ملل آسیای جنوب شرقی» (ASEAN) درسهایی را فراگرفت.

۴- برای جلوگیری از تجربه ای ناموفق در ۲۰۱۲ چه باید کرد؟ اگر کنفرانس ناکام شود، ممکن است این نظر که بسیاری آن را درست می شمارند، دچار افقی اساسی شود، و با برای همیشه از مسیر خود منحرف گردد. جلسه به این مطلب توجه کرد که آن گام هایی که برای اعتماد سازی برداشته می شود، ممکن است اعتماد را از بین ببرد (برای مثال، رفتار متقابل بین غرب و ایران، که تلخ کامی به جای گذاشته است). اگر هدف این باشد که ۲۰۱۲ را در برابر نتایج ناموفق مصون بداریم، ناچار باید برای سه پرسش نخستین، پاسخ های درخوری، پیدا کنیم. اینجاست که به مجموعه ای از تدابیر ممکن، و نقشه ای از ایده ها، همراه با رعایت منافع دولت ها، نیاز است.

آیا زمان بنیاد یک «گروه کار نظارت تسلیحاتی و امنیت منطقه ای» فرارسیده است؟

شرکت کنندگان، گزینه هایی را برای گسترش گفتگوها، با امکان راه اندازی یک «گروه کار نظارت تسلیحاتی و امنیت منطقه ای» دیگری، در رابطه با کنفرانس پیشنهادی ۲۰۱۲ مورد بحث قرار دادند (برخی هم گفتند که این کار را می توان پیش از ۲۰۱۲ انجام داد، مانند نمونه ی «اتحادیه ی ملل جنوب شرقی آسیا»). موضوع های بحث در این گروه، می تواند همه ی جنگ افزارهای هسته ای و دیگر جنگ افزارهای کشتار گروهی، و دیگر انواع جنگ افزارها، و حتی موشک ها، راکت ها، آتش افزارها، و دیگر جنگ افزارهای سنتی را دربرگیرد. موضوع بی تناسبی (داشتن جنگ افزارها را) به گونه ای می توان عنوان کرد. نیاز به نوعی پیشرفت در مساله ی فلسطین (از جمله موضع حماس) بخش دیگری از مباحث بود. همانگونه، که جایگاه بازیگران (یا عوامل) غیردولتی را نیز باید در نظر داشت. برخی دیگر اشاره کردند که پیشرفت رابطه ی اسرائیل و سوریه، نیز عامل مهمی است.

نیاز به پیشرفت در مذاکره با ایران نیز خاطرنشان شد. تفاهم عمومی جلسه، این بود که هرگونه حمله ی محتمل به ایران، حتی اگر نتواند بالقوه کنفرانس ۲۰۱۲ را منتفی کند، امیدهای به کنفرانس را فوق العاده دچار یاس خواهد ساخت.

اقدامات مطلوب برای اعتماد سازی

شرکت کنندگان، یادآور شدند که برای رسیدن به خاورمیانه ای تهی از جنگ افزارهای هسته ای، و دیگر جنگ افزارهای کشتار گروهی، به مجموعه ای از اقدامات شفاهی، اقدامات ملی، و کارهای مربوط به مذاکرات نیاز است.

فهرست بلندبالایی از گزینه ها، برای دولت هایی که می خواهند درین زمینه ها، یا هر زمینه ی دیگری که در پی خواهد آمد (و یا ترکیبی از آنها)، گامی به جلو بردارند تکثیر و توزیع خواهد شد، تا حسن نیت و جدی بودن همه ی دولت های ذیربط در منطقه را در راه نیل به هدف به نمایش درآورد. بعضی ازین گزینه ها، گام هایی داوطلبانه است که شاید بتوانند دوجانبه شوند. می توان با انتظاراتی اندک آغاز کرد، و آهسته آهسته، بر پایه ی اعتمادی که از این روند بدست می آید، به بناکردن پرداخت.

فهرستی که در پی می آید، مشتمل بر ایده هایی است که از گفتگوهای جلسه بدست آمده است، گرچه نه برای بحث عمیق کوششی شد، و نه بدنبال توافق آرای درخور اینها بودیم. این فهرست بهیچ وجه، نه کامل است، و نه در آن تقدم و تاخری رعایت شده. می توان، در این موضوع ها، گفتگوی بیشتری انجام داد، و پوگواش، برای ادامه ی کمک به گسترش این گزینه ها، موردحمایت واقع شده است.

۱- کشورهایی که هنوز رژیم های معینی را به تصویب نرسانده یا به عضویت آنها درنیامده اند (مانند رژیم NPT، CTBT، BWC، CWC، و مانند اینها) می توانند همانند امضاکنندگان و اعضای این رژیم ها رفتار کنند (و این را نیز علناً اعلام نمایند). اینها در صورت امکان، می توانند به قانون گذاری ملی متناسب با این رژیم ها بپردازند.

۲- می توان گفتگوهای منطقه ای راجع به چگونگی مدیریت انتقال به منطقه ای متکی به نیروی هسته ای (و مسائل مربوط به گسترش جنگ افزارها را) آغاز کرد. این امر ممکن است، گفتگوهای منطقه ای کردن یا جهانی کردن جریان غنی سازی، و یا فن آوری های حساس، را در برگیرد یا نه.

۳- جنگ افزارهای هسته ای ایالات متحده را، می توان به عنوان ابراز حسن نیت برای آغاز روند غیرهسته ای کردن منطقه، و کاهش جنگ افزارهای هسته ای شناخته شده در منطقه، از خاک ترکیه، منتقل کرد.

۴- می توان گفتگوهای پیرامون گسترش بازدارندگی در منطقه برگزار کرد.

۵- عده ای معتقد بودند که می توان از تجربه ی ایالات متحده، در راه کاهش جنگ افزارهای هسته ای، و دیگر جنگ افزارهای کشتار گروهی، درس آموخت. برخی تصور می کردند که اسلوب تجدید نظر شده ی هسته ای ایالات متحده، ناظر به سیاست آشکارسازی، می تواند برای منطقه مناسب باشد.

۶- درباره ی مواد شکافتنی، امکان پیشرفت، در منطقه وجود دارد. برای مثال، اگر «معاهده ی کاستن از مواد شکافتنی» (FMCT) موردتوافق قرارگیرد، بعضی برآنند که اسرائیل به آن خواهد

پیوست. یا شاید، در منطقه برای انعقاد «معاهده ی کاستن از موادشکافتنی» یا معاهده ای منطقه ای در این باب، یا موافقتنامه ی دیگری بر سر مواد شکافتنی، توافق بعمل آید.

۷ - افزایش همکاری در امنیت هسته ای، امکان عملی دارد، از جمله با مراقبت در حمل و نقل جنگ افزارهای کشتار گروهی و آنچه به آن وابسته است، و درگیری بیشتر متخصصانی که با مواد هسته ای در جریان، کار می کنند. این امکان می تواند شامل بازدیدهای گروهی از پایگاههای هسته ای، شیمیایی، و بیولوژیکی باشد (اما نه برای بازبینی).

۸ - یک معاهده یا یادداشت تفاهم (MOU)، برای منع یورش به تاسیسات هسته ای، براساس نمونه ی موافقتنامه هایی که بین هند و پاکستان وجود دارد، می تواند موردگفتگو قرارگیرد.

۹ - پیشرفت در روش اعلامی، توسط اسرائیل و دیگران، شاید با صدور اعلامیه های یکجانبه ی شبه مذاکره عملی باشد. برای مثال، امکان انعقاد معاهده ی «عدم ضربت نخست» (یا عدم حمله) وجود دارد. (بعضی از شرکت کنندگان، ضمن این که پذیرفتند که اسرائیل نمی تواند نخستین دولتی باشد که به این معاهده بپیوندد، مایل بودند بدانند اگر شرایط فراهم شود این معاهده را کجا می توان مورد رسیدگی قرار داد؟).

۱۰ - شاید در کنار معاهده ی عدم حمله به تاسیسات (نظامی)، می توان ممنوعیت منطقه ای جنگ افزارهای رادیولوژیکی را نیز مورد بحث قرار داد.

۱۱ - تمام دولت ها در منطقه، شاید بتوانند «گزارش هایی رسمی» تهیه کنند، و سپس برای بحث بر سر احساس تهدید متقابل (نسبت بیکدیگر) دیدار نمایند.

۱۲ - خلاف تفکر سنتی، شاید بهتر باشد از شکل و مکانیسم آغاز کنیم، تا محتوا. چنین امری از جمله با بنیاد دفتر (یا مرکز تشخیص) منع جنگ افزارهای کشتار گروهی، به منظور مبادله ی اطلاعات، بهترین تمرین ها، و غیره، امکان پذیر می باشد. درباره ی عامل اعتماد سازی، در گفتگوهای نظارت تسلیحاتی (شفافیت، و غیره)، پیش از توافق جمعی یا دستیابی به موافقتنامه برسر اهداف (سیاسی) نهایی، نیز بحث شد. (یکی از شرکت کنندگان، تذکر داد که تاریخ گواه برآنست که بنا بر سرشت، موافقتنامه های نظارت بر جنگ افزارها، موافقتنامه هایی است در میان دشمنان، و لذا داشتن روابط دوستانه، پیش از انجام مذاکره، و دستیابی به موافقتنامه ی نظارت بر جنگ افزارها، الزامی نیست).

۱۳ - برخی از خود می پرسیدند که آیا کاهش در شمار جنگ افزارهای اسرائیل، می تواند اقدامی برای اعتماد سازی شمرده شود.

۱۴ - رهبری فلسطینی ها (رئیس جمهور) ممکن است طی اعلامیه ای بگوید که وقتی فلسطین به صورت یک کشور درآمد، یعنی به محض استقرار کشوری کامل به عضویت NPT، CWC، BWC و CTBT در می آید، و همانند نمونه ی ژاپن، اصول سه گانه ی غیرهسته ای را بی درنگ در پیش خواهد گرفت.

۱۵- تمام کشورهای منطقه ممکنست یا به گونه ای یک طرفه یا غیرمستقیم، به «فضاهای باز» بپیوندند.

۱۶- موافقتنامه ای بوسیله ی دولت های صاحب جنگ افزارهای هسته ای که انتقال نیروهای نظامی مسلح هسته ای را به منطقه منع کند، می تواند اعتماد را در منطقه افزایش دهد.

۱۷- عده ای هم امکان مذاکره ی مستقیم بین اتحادیه عرب و اسرائیل را طرح کردند، هرچند دیگران در این که زمان برای چنین کاری مناسب است یانه، تردید دارند.

نتیجه گیری

شرکت کنندگان جلسه ی قلعه ی فارنهام، چالش های موجود در راه رسیدن به هدف خاورمیانه ای تهی از جنگ افزارهای هسته ای را موردتوجه قرار دادند. تجربه ها و بینش گروهی شرکت کنندگان، حاکی بود که در مسیر پیش رو، دست انداز وجود دارد و به نظر می رسد که موانع راه برطرف نشدنی است. بهر حال، احساس فوریتی آشکار و سرخوردگی، از این بود که روزه ی فرصت کنونی را نباید در پای بی عملی بوروکراتیک، از دست داد.

آنان از بحث بیشتری در موقعیت های محوری دو (یا محوری یک و نیم)، برای حل برخی از انواع موضوعاتی که در اصل، در فارنهام طرح شده بودند، پشتیبانی کردند.

بخش بزرگی از این فرآیند را می توان در سطح محور دو یا محور یک و نیم انجام داد، اما در آخر سر، حکومت نیاز دارد که مالکیت را بدست گیرد و راه هایی را برای گفتگوی فیما بین پیدا کند و خود را با پاسخ به بعضی ازین پرسش ها، رهایی دهد.

برخی از شرکت کنندگان گفتند که می توان برای همه ی ستارگان (یا دولت ها) یک عمر درانتظار نشست، تا آنان به آرایش و صف بندی پردازند، در حالی که زمان در سپری شدن است. ۲۰۱۲ سال انتخابات در ایالات متحده ی آمریکاست. بیم از گسترش (جنگ افزارها) در رابطه با ادامه ی بی عملی است. بعضی از حکومت ها، از حمایت کامل کنفرانس هراس دارند زیرا از ناکامی آن بیمناکند.

در قلعه ی فارنهام، امید به موفقیت کنفرانس، در صورت مدیریت انتظارات از آن، وجود داشت. تنی چند بر این باور بودند که کنفرانس ۲۰۱۲ در صورتی ناکام خواهد شد، که بدون هیچ گونه طرح عملی بی پایان برسد، و این که دولت ها، نتوانند بر سر روندی معتبر و مداوم، به عنوان نتیجه ی کنفرانس، به توافق برسند. بسیاری معتقد بودند که موفقیت کنفرانس امکان پذیر است اگر حکومت ها، جریان ها را پیگیری نمایند، و برای برداشتن گام هایی حتی کوچک، به جلو، مصمم باشند. نظرات اصلی برای چنین گامهایی، درین گزارش طرح شده است.

گروهی، امیدوار بودند که کنفرانس ۲۰۱۲، آغازی است برای روند نظارت تسلیحاتی در منطقه، و آغاز دورانی است که جنگ افزارهای هسته ای اصلی و وابسته و دیگر جنگ افزارهای کشتارگروهی در منطقه، رو به کاهش گذارد. اگر چنین امید بالقوه ای، خواه به دلیل این که کنفرانس برگزار نشود، و خواه به دلیل ناکامی کنفرانس، واقعیت نیابد، در این صورت، حداقل بیم آن می رود که منطقه، به سوی آینده ای ترسناک تر به پیش رود.

تبادل نظر یوگواش

اول و دوم مهرماه ۱۳۸۹ خورشیدی

برابر با ۲۳ و ۲۴ اکتبر ۲۰۱۰ میلادی

قلعه فارنهام، انگلستان

پیوست دو: نکات بحث مقدماتی

(توزیع شده پیش از برگزاری جلسه ی فارنهام)

خواهشمندیم در نظر بگیرید که آنچه در زیر می آید، پیش نویسی از موضوع های مورد بحث جلسه است. آنها جامع نیستند، و دیگران، می توانند پیشنهادهای دیگر خود را به آن بیفزایند.

موضوع هایی که بحث می شود

- ۱ - آیا جنگ افزارهای هسته ای و جنگ افزارهای کشتار گروهی، امنیت انفرادی هریک از دولت ها را افزایش می دهد؟ اگر توزیع این جنگ افزارها در خاورمیانه به گونه ی یکسانی نیست (دولت های دارنده و دولت های نادرنده ی جنگ افزارها)، چگونه این نایکسانی را می توان تغییر داد؟
- ۲ - آیا نیازی داریم که شرایط ضروری حوزه ی امنیت منطقه ای را مورد رسیدگی قرار دهیم، تا بتوان به کاهش و انهدام این جنگ افزارها؛ و به امضای معاهدات مربوط به نظارت تسلیحاتی دسترسی یافت؟ جزئیات این پیش شرط های (ضروری) کدامست؟
- ۳ - چه مسیر پیش رونده ای را می توان برای انهدام جنگ افزارهای یادشده در خاورمیانه، طراحی کرد؟
- ۴ - چگونه می توان در خاورمیانه، بر سر جنگ افزارهای هسته ای و کشتار گروهی، و نگرانی های ناشی از کسانی که این جنگ افزارها را دارند، به تبادل نظر و ارتباط دست یافت؟ چنین تبادل نظری را، چگونه می توان، به دیگر پرسش های مطرحی پیوند زد، که به خاورمیانه تاثیر دارد؟
- ۵ - واپسین کنفرانس بازنگري NPT، مساله ی منطقه ای تهی از جنگ افزارهای هسته ای و کشتار گروهی را به بحث گذاشت، و پیشنهاد کرد که کنفرانسی بین المللی در ۲۰۱۲، به این منظور برگزار شود. چه پیشنهادهایی می تواند ما را، به گونه ای واقع بینانه، به این سمت هدایت کند؟
- ۶ - آیا یک معاهده ی منع بکارگیری (نخستین) جنگ افزارهای هسته ای، می تواند سودمند بشمار آید؟ (معاهده ای که همه ی دولت ها بتوانند به آن بپیوندند).

هدف این گردهمایی عبارت است از این که اندیشه ی خود را محبوس نکرده، و برای آینده فکر کنیم. البته ما با آگاهی از این که تاریخ طولانی گفتگو بر سر جنگ افزارهای هسته ای و کشتار جمعی در خاورمیانه، استدلال های پر پیچ و خم بسیاری را برانگیخته که پاسخ بدانها را نیز موجه ساخته است، بسیار مشتاقیم، راههای ممکن را برای پیشرفت درین مساله، جستجو نمائیم.